

حکومت عقل

فیلسوف ری

در شماره گذشته و حیددو موضوع تازگی داشت: یکی روشن ساختن یک سیمای علمی و بیرون آوردن از گمنای ریاضی دان ارزشمند اصفهانی مرحوم میرزا محمد علی حسینی و دیگر پاره کردن پرده‌ای که پندارهای ما برگرد مرحوم سید جمال الدین افغانی کشیده بود. در مطالعات فرهنگی از قضا مقارن همان هفته کتابی از انتشارات انجمن آثار ملی بدستم رسید که بسی ارزشمند و شایسته آنست که در مجلات و وزین ما مطرح گردد. انجمن آثار ملی بدون سرو صدا و تظاهر بایک تلاش پیگیری به زنده کردن آثار ملی و نشر کتاب‌های ذی‌قیمتی می‌پردازد که در اعلا‌شان ایران و نشان دادن فرهنگ این سرزمین تأثیر محسوس و غیر قابل انکاری دارد. کتاب اخیر بعنوان «فیلسوف ری» شرح زندگانی و بیان شخصیت محمد ابن زکریای رازیست که با تحقیقات دقیق آقای مهدی محقق صورت گرفته است و با فهرست‌ها از ۴۶۰ صفحه تجاوز می‌کند. سابقاً همین نویسنده «سیرة الفلسفیه» این دانشمند را بطرز روشن و زیبایی

ترجمه و بیچاپ رسانیده است که خواندن آن بهر کسی که برای عقل آدمی ارزشی قایل است و عقل رایگانه شاخص انسانیت میدانند لذت بخش است و بر حسن ذوق نویسنده که در ضمن کارهای تحقیقی باین دانشمند روی آورده است و از میان شاعران ناصر خسرو و امورد دقت و مطالعات فاضلانه خود قرار داده است آفرین میفرستد .

محمد بن زکریا یکی از برجسته ترین سیمای اندیشه و فرهنگ ایران است و از این رو بدون هراس میتوان او را کنار فارابی و ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی قرارداد ولی متأسفانه کمتر از او در مطبوعات سخنن بمیان میآید و کمتر خوانندگان با دانشمندی آشنا هستند که تمام عمرش صرف اندوختن دانش و نشر فکر و معرفت گردیده بدون اینکه در مجاهدت متواصل و پی در پی او برای خود چیزی بخواهد . نهدنبال جاه و مقام رفته، نهدر پی نعمت و خواسته دیده است و حتی صحت و آسایش خویش را در راه کسب علم و دست یافتن به کتاب و ثبت تجربیات دانسته خود فدا کرده است .

چون زاهدی بحد اقل معیشت اکتفا کرده و از این باب از وی شکایتی و ندامتی شنیده نشده است بلکه برعکس علوم مقام انسانی را در قناعت و سرکوبی شهوات حیوانی گینته و بدان عمل کرده است .

از این حیث بفارابی شباهت دارد ولی با این مزیت که بصراحت بیان و بشجاعت اخلاقی مجهز بوده و بی پروا عقل را یگانه مزیت آدمی دانسته، فلسفه و روش اخلاقی خود را بر آن استوار ساخته است .

برای نمونه فکر استوار و متین او چند سطر از فصل اول کتاب طب و روحانی او را نقل کرده و امیدوارم مجله وحید که در مقام نشان دادن تاریخ و فرهنگ ایران بر آمده است این موضوع را دنبال کرده و از زوایای مختلفه سیمای این قهرمان میدان فکر و عقل که او گوست کانت را بخاطر میآورد ترسیم کند .

د آفریدگار که نامش بزرگ باد خزدرا از آن بما ارزانی داشت که به مددش بتوانیم ، در این دنیا و آن دیگر از همه بهره‌مائی که وصول و حصولش در طبع چون سمای بودیمت نهاده شده است برخوردار گردیم .

خرد بزرگتر موهبت خدا بماست و هیچ چیز نیست که در سودرسانی و بهره‌بخشی بر آن سر آید. با خرد بر چار پایان ناگویا برتری یافته‌ایم چندانکه بر آنان چیرگی میورزیم و آنان را بکام خود میگردانیم و باشیوه‌هایی که هم برای ما و هم برای آنها سودبخش است بر آنان غلبه و حکومت می‌کنیم.

با خرد بدانچه ما را برتر می‌سازد و زندگانی ما را شیرین و گوارا می‌کند دست می‌یابیم و به خواست و آرزوی خود می‌رسیم. بوساطت خرد است که ساختن و بکار بردن کشتی را دریافته‌ایم چنانکه بر زمین‌های دور مانده‌ای که بوسیله دریاها از یکدیگر جدا شده‌اند واصل گشته‌ایم (مثلاً اینکه از کشف امریکا صحبت می‌کند) پزشکی با همه سودهایی که برای تن دارد و تمام فنون دیگر که بما فایده می‌رساند در پر تو خرد حاصل آمده‌است.

با خرد با موز غامض و چیزهایی که ازمانهان و پوشیده بوده است پی برده‌ایم. شکل زمین و آسمان، عظمت خورشید و ماه و دیگر اختران و ابعاد و جنبش‌های آنان را دانسته‌ایم و حتی به شناخت آفریدگار بزرگ نایل آمده‌ایم.... بر روی هم خرد چیزی است که بی آن وضع ما همانا وضع چار پایان و کودکان و دیوانگان خواهد بود...

چون خرد را چنین ارج و پایه و مایه و شکوهی است سزاوار است مقامش را به پستی نکشانیم، از پایگاهش فرود نیاوریم و آن را که فرمانرواست فرمانبردار نگردانیم سرور را بنده و فرادست را فرودست نسازیم. بلکه باید در هر باره بدان روی نمائیم و حرمتش گذاریم، همواره بر آن تکیه کنیم، کارهای خود را موافق آن تدبیر کنیم... هیچگاه نباید هوی را بر آن چیرگی دهیم زیرا هوی (مشتهیات نفس و غرایز) آفت و مایه تیرگی خرد است.... برعکس باید هوی را ریاضت دهیم، خوارش کنیم و مجبورش سازیم که از امر و نهی خرد فرمان برد...

در ذیل این قسمت آقای مهدی محقق نوشته‌اند محتمل است این فصل
بیش از فصول دیگر برداشتمندان اسماعیلیه گران آمده باشد زیرا آنان میگویند
خداشناسی بعقل و نظر نیست و به تعلیم امام است.

از اینرو ابوحاتم در مقام رد و نقض رازی بر آمده چنانکه المؤید فی دین الله
نیز در نقض آراء ابن راوندی که چون محمد بن زکریای رازی به برتری عقل
قائل بوده و آنرا ستوده است برخاسته است .

چنانکه میدانیم رازی در نیمه دوم قرن سوم هجری (تولد ۲۵۱) و اوایل
قرن چهارم میزیسته است. یعنی در عصر و محیطی که گرایش محسوس و ناپسندی
بسوی نقل و بی اعتمادی به مقولات عقلی پیدا شده بود و عکس العمل دوره مأمون
عباسی که به مقولات توجهی پیدا شد. و معتزلیان که در امور دینی برای عقل
ارزشی قائل بودند از طرف خلیفه حمایت میشدند و فلسفه یونان خریدارانی
داشت بکار افتاده بود .

رواج مذهب اشعریان یعنی جمود و رکود فکری و اتکاء مطلق به مقولات
هر چند میان آنها تناقضی باشد و عمل بظاهر آیات و احادیث هر چند مخالف
عقل و درایت و اصول اولیه دیانت باشد رواج یافته بود .

از اینرو باستناد آیه ویدالله فوق ایدبهم، برای خداوند دست و پائی قائل
شدند و جمله شریفه قرآنی « الرحمن علی العرش استوی » بظاهر آن گرفته
و معتقد بودند که خداوند تبارک و تعالی بر تخت جلوس فرموده و روز قیامت ممکن
است بادودیده ظاهری اورادید .

از طرف دیگر اسماعیلیان برای عقل ارزش و اثری قائل نبوده و معتقد
بودند باید از امام که معصوم است و با عالم غیب مستقیماً ارتباط دارد خداشناسی
را آموخت . حتی امام محمد غزالی که در قرن چهارم ظاهر گردید .
و میتوان ویرا بزرگترین دانشمند جهان اسلامش گفت در کتاب المنقذ
من الضلال برای اثبات نبوت عامه و خاصه عقل را تحقیر کرده و در اغلب استدلال
خود، چه در این کتاب و چه در کتاب تهافت الفلاسفه به مقولات اتکا کرده و
فلاسفه‌ای را که قائل به حدوث عالم نیستند باین جهت کافر دانسته است که در این
صورت اثبات وجود مانع دشوار میشود.

در تاریخ فکر بشر هیچ حادثه‌ای از این شگفت‌انگیزتر و تأسف‌بارتر نمیتوان پیدا کرد که عقل و ادراک رادر راه رسیدن به حقیقت غیر کافی و حتی عاجز فرض کرد. اگر به عقل نتوان اتکا کرد پس به چه چیز میتوان روی آورد همین متدینین که از فرط تعصب در راه دین عقل را تحقیر کرده و به روایات و منقولات روی می‌آورند از این نکته اساسی غفلت کرده اند که بشر به قوه عقل و ادراک خود به وجود خالق پی برده و برای آفریدگار جهان صفات کمالیه قائل شده است و پس از اذعان به وجود خداوند است که به پیغمبران ایمان آورده است پیغمبر در نظر وی محترم و بزرگ و شایسته پیروی است که فرستاده خداوند است. قرآن را کلام خداوند میدانند. از این رو دستورات مندرجه در آن فریضه و واجب‌الاطاعه است. همچنین سنت رسول‌الله و روش او از این رو خوب و مستلزم تبعیت است که او فرستاده خداوند است. پس همه اینها متفرع از این امر اساسی است که انسان بوجود خداوند اذعان داشته باشد و اذعان بوجود خداوند از راه عقل صورت گرفته است. آنوقت چگونه ممکن است این عقلی که ما را بوجود آفریدگار رهنمون گردیده و پس از آن ما را به نبوت پیغمبری کشانیده است. این عقل را حقیر وی اثر گفت‌وهر گونه منقولی را هر چند مخالف موازین عقلی باشد بر آن ترجیح داد؟

با وجود همه اینها در قرن سوم هجری این نهضت ضد عقل آغاز شده و خلفای بغداد بوسیله خیل محدثین آنرا تأیید و تقویت میکردند. فضل و بزرگی محمد بن زکریای رازی در این اسه که در چنین عصری و محیطی چنین عقایدی از خود بروز میدهد نه در آتن و در قرن پنجم و ششم قبل از میلاد.

این صراحت و این استدلالی که در کتاب طب روحانی و «سیره الفلسفیه» گسترده است شخص را بیاد افلاطون و ارسطو و بزرگان اندیشه یونان میاندازد و بکلی میباین مقضیات محیطی است که رازی در آن زندگی میکرده و نویسندگان رسائل اخوان الصفا سعی کرده اند نام و نشانی از خود ظاهر نسازند و مطالب صحیح خود را بطور سری منتشر سازند.

علاوه بر سجایای ذاتی و قوت روح و ایمانی که رازی به دانش و مقولات عقلی دارد شاید یک موجب این شجاعت و بی‌باکی در اظهار عقیده پاکی و منزله بودن محمد بن زکریای رازی باشد که گردپول و مقام نرفته. چون زاهد و ارسته‌ای

اعتنائی به نعمات دنیوی نداشته و از آلودگی به شهوات حیوانی منزّه بوده و جز مسائل علمی سودائی نداشته است بحدیکه درباره وی مینویسند فرسنگها مسافت طی میکرد و انواع رنج و محرومیت بر خود هموار میکرد تا بکتابی دست یابد و آنرا استنساخ کند و خود اوجز نوشتن و خواندن و معالجه بیماران کاری و سرگرمی و سودائی نداشته است .

این دانشمند بزرگ قابل مطالعه است و بسی بیجاست که از همین کتاب ارجمند آقای محقق استفاده کرده و مطالبی راجع به اندیشه و مجاهداتی که در راه تکمیل نفس و اندوختن دانش بکار برده است تحفه‌هایی برای خوانندگان وحید تهیه فرمائید .

شما که اینقدر به مسائل تاریخی علاقه دارید و با ولعی قابل ستایش میل دارید از مفاخر ایران سخن بمیان آورید و شأن قوم ایرانی را در فرهنگ جهانی مخصوصاً سهم بزرگی که در ساختن معارف اسلامی دارد نشان دهید شایسته است که بایمی در مجله باز کرده و این بزرگان اندیشه که نظایر آنها حتی در تاریخ دنیا زیاد نیستند بتدریج معرفی فرمائید . (۱)

مثلاً همین ابن راوندی و ابوحاتم که در دو قطب مخالف قرار دارند یا المؤید فی دین الله که از دعوات بزرگ اسماعیلیان بود کسی نمیشناسد . مردم نمیدانند چارالله زمخشری که یکی از بزرگترین دانشمندان اسلامی است و تفسیر او بر قرآن کریم از اغلب تفاسیر عمیق‌تر و به مقولات عقلی در آن توجه بیشتری شده است ایرانیست .

اگر در این میدان گام بردارید صحت رأی نویسنده شماره گذشته و وحید راجع به مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی یا اسعدآبادی هویدا تر شده و خوانندگان متوجه میشوند وطن آنها کشوریست که بیش از هر کشور اسلامی دانشور فکور بیرون داده است . حتی در میدان نقل و علوم شرعی چون امام ابوحنیفه امام محمدغزالی ، شیخ طوسی ، کلینی ، صدوق و غیرهم موجود است .

۱ - با اظهار تشکر فراوان از پیشنهادی که نویسنده دانشمند این مقاله کرده‌اند در شماره های آتی مجله بمعرفی احوال بزرگان علم و دانش ایران کهن خواهیم پرداخت و بخشی از مجله را باینکار اختصاص خواهیم داد .
اولین مقاله‌ای که در این زمینه نوشته شده در شماره بعد چاپ خواهد شد در احوالات ابوحیان توحیدی است این مقاله توسط آقای دکتر سید جعفر سجادی نوشته شده است . (و)